

مفهوم «طرفین» و آیین مراجعه به «هیأت حل اختلاف» قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو (بررسی رأی‌های صادر شده از شعب ۱۹۱ و ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران و رأی‌های شعبه پنجم دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۱۴۰۰۰۵۰۰)

حسن محسنی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

چکیده

شخصی که خودروی هیوندای سانتافه خود را نزد شرکت آم.م. گارانتی نموده، وقتی با آتش‌سوزی موتور - آن هم در حالی که فقط ۱۶۰۰ کیلومتر پیمایش داشت - مواجه می‌شود، برای تغییر موتور و تعمیرات اقداماتی انجام می‌دهد و برای دریافت بخشی از خسارات به شرکت مرقوم مراجعه می‌کند. او به هر دلیل سرانجام به «هیأت حل اختلاف» موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو متوسل می‌شود. این هیأت رأیی به سود وی صادر می‌کند. آن شرکت در دادگاه عمومی نسبت به این رأی اعتراض می‌کند و اساساً اعتراض خود را بر این استدلال استوار می‌نماید که هیأت بدون توافق طرفین اختلاف یا دست‌کم موافقت شرکت به عنوان یکی از طرفین، به پرونده رسیدگی کرده، پس صلاحیت حل و فصل اختلاف ندارد؛ از این رو رأی شایسته نقض است. این ایراد در شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران مردود اعلام می‌شود، ولی در شعبه پنجم دیوان عالی کشور مقبول شده و رأی دادگاه عمومی بر این بنیاد نقض می‌شود. با این وصف، شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی در مقام شعبه هم‌عرض، رسیدگی می‌نماید و بر همان اندیشه که به چنین توافق یا درخواست مشترکی نیاز نیست، تأکید و اصرار می‌کند. این بار شعبه پنجم دیوان عالی کشور، هنگامی که استدلال‌های خوب شعبه دادگاه عمومی را می‌بیند، از رأی پیشین خود عدول کرده، رأی آن شعبه را استوار می‌کند. این رفت و برگشت پرونده چند امر مهم را هویدا نمود: استقلال قضایی و ارزش آزادی دادرسی، همزادی آزادی و استقلال در سامانه حقوق آیینیک، نقش هدف و فلسفه قانون در رفع تردیدهای اجرایی، توجه شایسته به راهکار حل و فصل اختلافات و مرجع قضایی یا زیر نظر قضایی به شمار آمدن هیأت حل اختلاف.

واژگان کلیدی: مصرف‌کننده؛ خودرو؛ فرایند حل اختلاف؛ طرفین.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مقدمه

«قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو» در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در بندهای ماده ۱ این قانون «خودرو» به «هر نوع وسیله نقلیه موتور تولید داخل یا خارج برای استفاده در معابر عمومی برای حمل سرنشین و بار تا ظرفیت مجاز» گفته شده است و «عرضه‌کننده» نیز «هر شخص حقیقی یا حقوقی که به طور مستقیم یا از طریق واسطه فروش مبادرت به فروش خودروهای نو تولیدی یا وارداتی خود می‌کند» می‌باشد. همچنین است مفهوم «واسطه فروش» که عبارت است از «هر شخص حقیقی یا حقوقی که با موافقت عرضه‌کننده نسبت به فروش خودروی نو اقدام می‌کند» و «نماینده‌گی مجاز» به هر شخص حقیقی یا حقوقی گفته می‌شود «که با موافقت عرضه‌کننده عهده‌دار فروش و خدمات پس از فروش خودرو در طول مدت ضمانت است». در کنار این مفاهیم که چه درست و چه نادرست در این ماده تعریفی از آن به دست داده شده، «مصرف‌کننده» قرار می‌گیرد. او «هر شخص حقیقی یا حقوقی» است «که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد».

در چنین شرایطی طبیعی است که یک قانون حمایتی که در عنوانش حمایت از مصرف‌کنندگان آمده است، برای اختلافات ناشی از اجرای این قانون، سازوکاری را فرارو می‌نهد. در این قانون، ماده ۳ با همین نگاه به تعهد عرضه‌کننده در مقابل مصرف‌کننده اشاره دارد و احکام و مقرراتی را به شرح زیر پیش‌بینی می‌نماید: «عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید، یا حمل) است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو، بروز نموده و با مفاد ضمانتنامه و مشخصات اعلامی به مصرف‌کننده مغایر بوده یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود. هزینه رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد) هزینه‌های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات (چنانچه مدت توقف خودرو بیش از چهل و هشت ساعت باشد) بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد». همچنین، «تعهدات عرضه‌کننده به طور مستقیم یا از طریق واسطه فروش یا نمایندگی مجاز ایفاء می‌شود. عرضه‌کننده مکلف به ایجاد شبکه خدمات پس از فروش یا نمایندگی‌های مجاز تعمیر و توزیع قطعات یدکی و تأمین

آموزش‌های لازم متناسب با تعداد خودروهای عرضه شده در سطح کشور بوده و نمی‌تواند مصرف‌کننده را به مراجعه به نمایندگی معینی اجبار نماید» (تبصره ۱). بر اساس تبصره ۲ این ماده، «در صورت بروز اختلاف بین طرفین موضوع ماده فوق، موضوع اختلافی حسب درخواست طرفین ابتدا در هیأت حل اختلاف مربوطه، متشکل از نماینده عرضه‌کننده خودرو، کارشناس رسمی دادگستری و کارشناس نیروی انتظامی به ریاست کارشناس رسمی دادگستری طرح و رأی لازم با اکثریت آراء صادر خواهد شد. در صورت اعتراض هر یک از طرفین به رأی صادره، خواسته در دادگاه صالحه قابل پیگیری خواهد بود. دادگاه صالحه باید خارج از نوبت و حداکثر ظرف دو ماه انشاء رأی نماید.» حکم این ماده از جهت چگونگی طرح موضوع اختلاف در هیأت حل اختلاف که با حضور نماینده عرضه‌کننده خودرو و دیگران به شرح بالا تشکیل می‌شود، محل اختلاف برداشت و تفسیر میان دادگاه عمومی حقوقی و دیوان عالی کشور بوده است که شرح و گزارش آن از دیدگان می‌گذرد و سپس برآیندهای علمی آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. ممکن است از نگاه ماهوی نیز موضوع این رأی دارای نکات و مسائل متنوعی از جهت مبانی و فلسفه حمایت از مصرف‌کننده خودرو باشد که خوانندگان باید در نوشته‌های مربوط شرح و بررسی آن را ببینند (بنگرید: بادینی و پناهی اصائلو، ۱۳۹۱، صص ۳۹-۶۴)، اما آنچه در این نوشته محل بحث و گفتگو است مسئله صلاحیت هیأت حل اختلاف و چگونگی مراجعه به آن است.

۱. گزارش پرونده

در اینجا هر دادخواهی و هر رأی برای تبیین موضوع اختلاف و تبیین دعوا و مبانی ادعاها و دفاعیات از دیدگان می‌گذرد.

۱-۱. دادخواهی شرکت آ.م. و رأی شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران

در پرونده شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۱۴۰۰۰۵۰۰ شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران، خواهان - شرکت آ.م. (سهامی خاص) - دعوایی به طرفیت یک کودک با ولایت قهری پدرش (م.ح.د) به خواسته «اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف مقرر در تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو» مصوب ۱۳۸۶ به شماره ۹۶/۱۰۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۱ طرح نموده است.

وکیل این شرکت آقای ی.و در شرح دادخواست خود چنین آورده است: «... خواننده در سال ۱۳۹۴ مبادرت به خرید یک دستگاه سواری هیوندای تیپ سانتافه مدل ۲۰۱۶

از شرکت پ.پ. نموده که خودرو در سال ۱۳۹۵ از سوی فروشنده تحویل خریدار شده و در کیلومتر ۱۶۰۰ دچار حادثه آتش‌سوزی از ناحیه موتور شده و خسارت به آن وارد می‌شود. رابطه حقوقی بین موکل و خواننده از آنجا ناشی می‌شود که به موجب الزامات دولتی، واردکنندگان غیر نماینده رسمی ملزم و مکلف به گارانتی نمودن خودروهای وارداتی نزد نماینده رسمی می‌شوند و در خصوص خودرو موضوع دعوی نیز کارت گارانتی از سوی شرکت موکل صادر شده است، خواننده جدا از اقدامات و پیگیری‌هایی که به منظور احقاق حقوق خویش مبذول می‌دارد، با اعتقاد به عیب ناشی از طراحی و تولید با استناد به تأمین دلیل‌هایی که پس از حادثه آتش‌سوزی انجام داده، با استناد به قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶، درخواست پرداخت خسارت خواب خودرو و افت قیمت خودرو را خطاب به شرکت موکل مطرح نموده است و با طرح یک‌طرفه شکایت خود در هیأت حل اختلاف مقرر در قانون مذکور (بر خلاف نص صریح تبصره ۲ ماده ۳ قانون مارالذکر) خواهان پرداخت خسارت خواب خودرو و افت قیمت آن می‌گردد که هیأت نیز ضمن رسیدگی با پذیرش ادعا، شرکت موکل را به پرداخت خسارت خواب خودرو مطابق ماده ۱۸ آیین‌نامه قانون مذکور نموده است که رأی صادره به دلایل زیر مخدوش است: ۱. به صراحت تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، هیأت مذکور به درخواست طرفین مجاز به ورود و رسیدگی به اختلاف طرفین در چارچوب ماده ۳ قانون مذکور است و با فقدان وصف و الزام قانونی ورود هیأت محترم غیر موجه و غیر قانونی است و در مانحن‌فیه نیز شرکت موکل نه درخواستی از هیأت جهت رسیدگی نموده و نه اساساً این هیأت را با توجه به مصداق ادعا صالح می‌داند ...»

دادگاه در پایان رسیدگی در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۱۴۰۰۰۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲ چنین رأی می‌دهد: «... دادگاه توجهاً به محتویات پرونده خواسته خواهان را مآلاً مردود می‌داند زیرا خواهان نماینده رسمی شرکت هیوندا در ایران است و مطابق تبصره ۱ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۳ تعهدات عرضه‌کننده به طور مستقیم یا از طریق واسطه فروش یا نمایندگی مجاز ایفاء می‌شود و مطابق تبصره ۲ ماده مذکور در صورت بروز اختلاف بین طرفین موضوع اختلافی حسب درخواست طرفین از هیأت مربوطه مطرح و رسیدگی و رأی صادر می‌گردد و ایراد خواهان مبنی بر اینکه طرح موضوع در هیأت منوط به متفق‌القول بودن خواهان و خواننده نبوده و ادعا مردود است بدیهی است که یک طرف که خود را مقصر یا احتمال

تقصیر خود را می‌دهد حاضر بدان نخواهد شد وانگهی هیأت مذکور، داوری و تحکیم خصوصی نیست که رضایت طرفین منشأ ایجاد صلاحیت باشد. زین سبب خواسته خواهان مردود مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد ... رئیس شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران - عیسی بلوری.»

در حقیقت، ادعای خواهان در دادخواست این بود که برابر تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، چون مقنن چنین آورده است که «موضوع اختلافی حسب درخواست طرفین ابتدا در هیأت حل اختلاف مربوطه، متشکل از نماینده عرضه‌کننده خودرو، کارشناس رسمی دادگستری و کارشناس نیروی انتظامی به ریاست کارشناس رسمی دادگستری طرح و رأی لازم با اکثریت آراء صادر خواهد شد»، این «طرفین» مورد اشاره در این تبصره به معنای «توافق طرفین» یا دست‌کم «درخواست مشترک طرفین» است و چون مصرف‌کننده خودرو به درخواست خودش به این هیأت مراجعه نموده، مرجع حل اختلاف صلاحیت رسیدگی نداشته است تا بتواند چنین رأیی بدهد؛ از این رو شایسته نقض است.

۲-۱. فرجام‌خواهی نخست شرکت آم.م. و رأی نخست شعبه پنجم دیوان عالی کشور
شرکت خواهان برابر قسمت ۱ از بند (الف) ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ از این رأی فرجام‌خواهی می‌نماید و در دادخواست و لایحه فرجامی خود که خلاصه آن در رأی فرجامی آمده است، چنین می‌آورد: «... فرجام‌خواننده مشتری شرکت موکل نبوده و رابطه آن‌ها یعنی موکل و فرجام‌خواننده ناشی از الزامات دولتی واردکنندگان غیر از نماینده رسمی شده‌اند و آنچه قابل توجه است این است که دادگاه در صدور رأی خود، هیأت حل اختلاف را بدون در نظر گرفتن الزام و شرایط مد نظر قانونگذار صالح به رسیدگی در باب اختلاف دانسته است، حال آنکه رسیدگی هیأت حل اختلاف به صراحت قانون با درخواست طرفین صورت می‌گیرد و این هیأت یک مرجع قضایی نیست و مراجعه به آن با اختیار و اراده طرفین صورت می‌گیرد و در غیر این صورت قانون از واژه طرفین استفاده نمی‌کرد ...»

شعبه پنجم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۵۵۸/۹۰۸۹۰۹۷۰۹۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ پیرامون آن فرجام‌خواهی چنین رأی می‌دهد: «فرجام‌خواهی نسبت به

دادنامه فرجام‌خواسته از این جهت وارد است که مطابق تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو و در اجرای مقررات ماده مرقوم هرگاه بین طرفین اختلاف باشد حسب درخواست طرفین، موضوع ابتدا در هیأت حل اختلاف مربوطه مطرح و رأی با اکثریت آرا صادر می‌شود و با عنایت به اینکه هیأت یاد شده (موضوع تبصره ۲ ماده ۳) جزو محاکم قضایی محسوب نمی‌شود تا هر یک از طرفین هر وقت که بخواهد برای احقاق حق خود به این مرجع مراجعه نماید و رسیدگی هیأت و برابر تبصره ۲ ماده مرقوم در صورت بروز اختلاف حسب درخواست طرفین، موضوع در هیأت مطرح می‌گردد و به نظر می‌رسد ماده ۲۹ آیین‌نامه مغایرت با اصل ماده مرقوم دارد و با توجه به اینکه اصل قانون می‌باشد، لذا رأی صادره بدون توجه به مفهوم فوق اصدار یافته از این جهت واجد اشکال قانونی بوده و درخور نقض است و لذا به تجویز بند ۲ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض آن، پرونده در اجرای بند ج ماده ۴۰۱ قانون صدرالذکر به شعبه دیگر محاکم عمومی تهران ارجاع می‌شود. رئیس شعبه پنجم دیوان عالی کشور - مهدی اسلامی، مستشار شعبه - جلیلی تقویان.»

۳-۱. ارجاع پرونده به شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران و رأی این شعبه آنچنان که در رأی شعبه پنجم آمده است، پرونده به شعبه دیگر از شعب دادگاه عمومی حقوقی تهران یعنی شعبه ۲۲۹ ارجاع می‌شود. این شعبه نیز مبادرت به رسیدگی نموده و در پایان به موجب دادنامه شماره ۱۱۲۰۹۴۳۵۰۹۹۷۰۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۵ چنین رأی می‌دهد: «در خصوص دادخواست شرکت آ.م. با وکالت ی.و. به طرفیت یک کودک با ولایت قهری م.ح.د. مبنی بر اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف مقرر در تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ به شماره ...، دادگاه با عنایت به محتویات پرونده بر خلاف استدلال مندرج در دادنامه به شماره ۵۸۸ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور مبنی بر عدم صلاحیت هیأت موصوف به لحاظ عدم توافق طرفین بر رسیدگی آن هیأت، موجبی جهت نقض رأی مورخه فوق‌الاشاره نمی‌بیند چراکه در موارد بسیاری در قوانین کلمه "طرفین" در معنی هر کدام از طرفین استفاده شده است لذا به صرف اینکه قانونگذار کلمه طرفین را استفاده نموده‌اند نمی‌توان بلافاصله از آن عبارت توافق طرفین را معنی نمود به عنوان مثال در مواد ۹۱، ۱۰۰، ۱۵۷، ۳۳۵، ۴۵۲ و ۴۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و یا ماده

۳۶۳ قانون مدنی عبارت طرفین در معنای هر کدام از طرفین استفاده شده است و از آن رو که رویکرد قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو یک قانون حمایتی (از مصرف‌کننده) می‌باشد لذا نمی‌توان جز با وجود صراحت یا واژگان دیگری، عبارت "طرفین" را حمل بر وجود توافق نمود و اگر مقنن مقصودی را می‌داشت می‌توانست از عبارت "درخواست مشترک طرفین" استفاده نماید. در واقع قانونگذار به لحاظ پیچیدگی فرایند تولید و تفاوت میان این فرایند و محصول نهایی این فرایند، خودرو را وسیله‌ای می‌داند که ممکن است دارای عیوب و نواقص مخفی از چشم مصرف‌کننده باشد و به منظور حمایت از فردی که در وضعیتی بسیار ضعیف‌تر از تولیدکننده است و مجبور به پذیرش قرارداد الحاقی خرید خودرو شده است اقدام به تصویب این قانون نموده است و آن‌گونه که این قانون مقررات مختلف همراهی برای حمایت از مصرف‌کننده وضع نموده است نمی‌توان کلیدی‌ترین عنصر حمایت، یعنی حمایت قضایی را از وی سلب و منوط به توافق طرفین دانست لذا تأسیس نهادی جهت صدور رأی لازم‌الاتباع توسط قانونگذار در قانونی که به منظور حمایت از مصرف‌کننده تصویب گردیده است امری عبث خواهد بود اگر به این باور باشیم که صلاحیت آن مرجع منوط به تراضی طرفین است پرواضح است که مطابق قانون آیین دادرسی مدنی توافق طرفین (بعد از حدوث اختلاف) راجع به داوری هر فردی یا هر نهادی موجب صلاحیت آن داور خواهد گردید و ضرورتی به بیان این امر بدیهی در چنین قانونی نبوده است چه آنکه قانونگذار حکیم است و از حکیم امر عبث بعید است. لذا از نظر این دادگاه بر صلاحیت هیأت حل اختلاف خدشه‌ای وارد نیست حکم به رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌نماید ... رئیس شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران - عبدالرحمن زارع‌پور.»

به‌واقع، این دادگاه در رأیی که صادر می‌کند استدلال‌های شعبه دیوان عالی درباره فقدان صلاحیت هیأت حل اختلاف موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو را نمی‌پذیرد و به شرح بالا بر عقیده خود اصرار می‌کند. فرضی که در چارچوب حکم مقنن در ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گنجد.

۴-۱. فرجام‌خواهی دوم شرکت آ.م. و رأی دوم شعبه پنجم دیوان عالی کشور

این بار نیز با وجود اینکه رأی شعبه ۲۲۹ که در بالا ذکر شده رأیی پژوهش‌پذیر بود، وکیل شرکت خواهان از دادنامه صادره برابر قسمت ۱ از بند (الف) ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ فرجام‌خواهی می‌کند و در دادخواست و لایحه فرجامی

مطالب پیشین را بازگفته و تقاضای نقض رأی فرجام‌خواسته را می‌نماید. پرونده باز به شعبه پنجم دیوان عالی کشور ارجاع می‌گردد و این شعبه در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳۱ با دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۸۹۰۰۳۹۳ این گونه رأی می‌دهد: «اعتراض شرکت آم. با وکالت آقای ی.و. نسبت به دادنامه شماره ۵۰۱۱۲ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۵ شعبه ۲۲۹ دادگاه حقوقی تهران وارد نیست و رأی دادگاه با توجه به استدلال به عمل آمده منطبق با موازین قانونی است لذا ضمن عدول از رأی شماره ۹۰۰۵۵۷ - ۱۳۹۷/۶/۲۰ این شعبه که منطبق با نظر مقنن از وضع قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو نبوده است که به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان می‌باشد، به استناد ماده ۳۷۰ و ۴۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی رأی فرجام‌خواسته را ابرام و پرونده را اعاده می‌نماید. رئیس شعبه پنجم دیوان عالی کشور - مهدی اسلامی، مستشار شعبه - احمد کریم‌زاده.»

۲. نقد و بررسی رأی

۱. آنچنان که از محتوای این پرونده به دست می‌آید، به دعوای موضوع این پرونده دو بار در دادگاه عمومی و دو بار در دیوان عالی کشور رسیدگی شده که بر بنیاد اصول و مقررات قانون آیین دادرسی مدنی فاقد اشکال و ایراد است؛ چراکه هم برابر تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، دادگاه عمومی مرجع رسیدگی به شکایت یا اعتراض هر یک از طرفین به رأی صادره از «هیأت حل اختلاف» متشکل از نماینده عرضه‌کننده خودرو، کارشناس رسمی دادگستری و کارشناس نیروی انتظامی است که چنین مقرر نموده است: «در صورت اعتراض هر یک از طرفین به رأی صادره، خواسته در دادگاه صالحه قابل پیگیری خواهد بود. دادگاه صالحه باید خارج از نوبت و حداکثر ظرف دو ماه انشای رأی نماید.»

رأی دادگاه عمومی تابع عمومات قانون آیین دادرسی مدنی از جهت طرق شکایت از رأی است که در پرونده حاضر - آن گونه که گفته شد - شرکت خواهان فرجام‌خواهی را در دو نوبت برگزیده است. برابر ماده ۳۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی «رسیدگی فرجامی عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی.»

این طریقه شکایت برابر حکم قسمت ۱ بند (الف) ماده ۳۶۷ آن قانون برای شرکت آم. به علت قطعیت یافتن به سبب عدم تجدیدنظرخواهی، باز بوده است: «آرای

دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف - احکام:

۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد. ...»
دیگر اینکه نقض و ابرام اتفاق افتاده در این پرونده برابر ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی و منطبق با اصول مبنای آن بوده است: «در صورتی که پس از نقض حکم فرجام‌خواسته در دیوان عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رأی اولیه اقدام به صدور رأی اصراری نماید و این رأی مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال، رأی دادگاه را ابرام، در غیر این صورت پرونده در هیأت عمومی شعب حقوقی مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه طبق استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید.»
به بیان دیگر، هم دادگاه عمومی در رسیدگی به اصل شکایت یا اعتراض شرکت خواهان واجد صلاحیت بوده و هم فرجام‌خواهی انجام شده با توجه به نصاب و شرایط مقرر در قسمت ۱ بند (الف) ماده ۳۶۷ آن قانون صحیح بوده است و هم تصمیم شعبه پنجم دیوان عالی کشور در ابرام رأی دوم صادره از شعبه دادگاه هم‌عرض صحیح و بی‌اشکال می‌باشد.

۲. پیش از اینکه به موضوع اصلی اختلاف پرداخته شود و آن مسئله صلاحیت هیأت حل اختلاف موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو سال ۱۳۸۶ است، بایسته است به «استقلال قضایی» و مشخصاً «استقلال قاضی» اشاره شود. سامانه آیین دادرسی هیچ‌گاه نمی‌تواند بی‌نگاه و به دور از توجه دقیق و بنیادی به اصل استقلال قضایی بسامان شود. بر اساس این اصل، افزون بر استقلال ساختاری قوه قضاییه از دیگر قوای حاکمیت، دادرس در درون این قوه نیز مستقل است، هم در یافتن حکم و هم در تطبیق حکم بر موضوع یا به بیان کوتاه‌تر، «آزادی دادرس در تطبیق حکم بر موضوع و تفسیر قانون و نیز در صدور رأی» (محسنی، ۱۳۹۴، صص ۳۱۸-۳۰۱). در این پرونده هم دادرسان شعب پایین در تطبیق حکم بر موضوع آزاد بودند و هم در یافتن و تفسیر مقررات تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو از چنین آزادی و استقلال بر خوردار بودند؛ آزادی و استقلالی که توأمان با هم نمود و تجلی یافته‌اند. این‌گونه است که از گذشته تا به امروز «آیین

دادرسی» را «خواهر همزاد آزادی» می‌دانند و این‌گونه آن را می‌ستایند.^۱ اینجاست که ارزش تمدن آیین دادرسی رخ‌نمایی می‌کند. اوج این آزادی و استقلال را باید در فرآزی از رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور دید که آورده است: «... و رأی دادگاه با توجه به استدلال به عمل آمده منطبق با موازین قانونی است لذا ضمن عدول از رأی شماره ۹۰۰۵۵۷ - ۱۳۹۷/۶/۲۰ این شعبه که منطبق با نظر مقنن از وضع قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو نبوده است که به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان می‌باشد ...» اینک قضات والامقام عالی‌ترین مرجع قضایی هنگامی که استدلال دادرسی شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران را می‌بینند، بی‌کمترین تعصب و به دور از هر پندار راهزن مرجع عالی قضایی بودن و داشتن تجربه حقوقی و قضایی بیشتر - چنانکه از دیدگان گذشت - می‌نویسند و از رأی خود با بزرگی عدول می‌کنند، بسیار ارزشمند و شایسته آفرین است. به دیگر سخن، تعصب به هر شکل و سیما، نباید در امور قضایی نمود یابد و رأی شعبه پنجم از این نگاه، رأیی آموزنده و ارزشی است.

۳. از میان این چهار رأی تالی و عالی، تنها در یک رأی معنا و تفسیری متفاوت از عبارت مقنن در تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو پدید آمده است.^۲ رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور در نتیجه نخستین فرجام‌خواهی که انجام می‌شود، صادر شده است. در این رأی است که عبارت «درخواست طرفین» به درخواست مشترک طرفین تعبیر شده است: «... با عنایت به اینکه هیأت یاد شده (موضوع تبصره ۲ ماده ۳) جزو محاکم قضایی محسوب نمی‌شود تا هر یک از طرفین هر وقت که بخواهد برای احقاق حق خود به این مرجع مراجعه نماید و رسیدگی هیأت و برابر تبصره ۲ ماده مرقوم در صورت بروز اختلاف حسب درخواست طرفین، موضوع در هیأت مطرح می‌گردد و به نظر می‌رسد ماده ۲۹ آیین‌نامه مغایرت با اصل ماده مرقوم دارد و با توجه به اینکه اصل قانون می‌باشد، لذا رأی صادره بدون توجه به مفهوم فوق اصدار یافته از این جهت واجد اشکال قانونی بوده و درخور نقض است ...»

در این استدلال چنین آمده است که چون هیأت موضوع این تبصره مرجع قضایی

۱. درباره این اندیشه‌ها و این سخن که گفته ابرینگ (Von Ihering) حقوقدان معروف آلمانی است ر.ک:

محسنی، ۱۳۹۷، صص ۵۵-۶۸.

۲. برخی نویسندگان نیز چنین نظری ابراز داشته‌اند، ولی بی‌درنگ پیشنهاد اصلاح داده‌اند (ر.ک: بادینی و پناهی

اصانلو، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

است، مصرف‌کننده به تنهایی حق مراجعه به آن و دادخواهی نسبت به آن را ندارد، بلکه این هیأت با درخواست طرفین صلاحیت رسیدگی می‌یابد. از سوی دیگر، در این بخش از رأی درباره اعتبار ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز اظهار نظر شده است و چنین نتیجه‌گیری شده که این ماده از آیین‌نامه با قانون مغایرت دارد و چون اصل قانون است و چون تفسیر بالاگفته از قانون معتبر است، رأی شایسته نقض می‌باشد.

۴. درباره نخستین استدلال شعبه پنجم، افزون بر استنادات و ارجاعاتی که شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران درباره معنا و مقصود «طرفین» در دیگر قوانین و مقررات آیینیک و ماهوی کشور نموده، باید گفت بر خلاف ماده ۵۴ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه که امکان و اجازه درخواست یا تقاضای توافقی^۱ را به متداعیین داده است،^۲ در حقوق ایران چنین امکانی برای دادخواهان دیده نمی‌شود و متداعیین در همه شرایط، حتی آنگاه که زوجین تقاضای طلاق توافقی می‌کنند یا شرکای مال مشاع تقاضای تقسیم می‌نمایند، باید دادخواست یا درخواست یک‌طرفه‌ای را تهیه کرده و بنویسند و هر یکی نقش خواهان را بر عهده بگیرد و دیگری یا دیگران را خواننده یا از خواندگان قرار دهد تا مراجعه به دادگستری برای اعمال این معنا از حق دادخواهی محقق گردد. برای نمونه، شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در دادنامه‌ای رهنمون شده است که زوج باید حتی در صورت تقاضای طلاق توافقی، نامش در ردیف «خواهان» باشد و زوجه حتی اگر از زوج وکالت داشته باشد، باید نام خود را در ردیف «خواننده» بنویسد.^۳

1. La requête formée conjointement par les parties.

2. Art. 54 CPC: La demande initiale est formée par assignation ou par requête remise ou adressée au greffe de la juridiction. La requête peut être formée conjointement par les parties. Voyez: CPC, 2018.

۳. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۶ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور: «با توجه به محتویات پرونده و مستندات ابرازی طرفین، دادنامه فرجام‌خواسته از حیث نقص در رسیدگی و عدم رعایت اصول دادرسی مخدوش است زیرا: الف - زوجه اگرچه وکیل در مطلقه نمودن خود به استناد وکالت‌نامه شماره ۸۳۰۴ - ۹۱/۱۱/۲۶ تنظیم شده در دفترخانه شماره ... دزفول بوده است و حتی حق انتخاب وکیل رسمی را داشته است اما خود اقدام به تقدیم دادخواست نموده و تقاضای دو موضوع کرده است ۱- اذن اعمال وکالت ۲- تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش و حال آنکه در خصوص هر دو موضوع چه اذن اعمال وکالت و چه گواهی عدم امکان سازش خواهان باید زوج باشد و زوجه به عنوان وکیل او علیه خود به عنوان خواننده اقدام نماید که چنین دادخواستی داده نشده است. ب - در صورتی که از ناحیه زوج تقدیم دادخواست کرده باشد باید در برگ دادخواست جای خواهان و خوانده عوض شود که چنین نشده است. ج - اگر از ناحیه زوج

با این وصف، می‌شود ادعا نمود که شعبه ۵ دیوان عالی کشور در این استدلال خود قصد داشته به مقوله توافقی بودن صلاحیت هیأت موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو اشاره نماید؛ چراکه آن هیأت را مرجع قضایی نمی‌داند و چون چنین مرجعی نیست، لاجرم باید آن را مرجعی شبیه این مراجع دانست که صلاحیت خود را از اعمال ارادی توافقی طرفین متداعیین به دست می‌آورد. حتی ممکن است برای تقویت این سخن، به قسمت دیگر آن تبصره استناد شود که مقرر نموده «در صورت اعتراض هر یک از طرفین به رأی صادره، خواسته در دادگاه صالحه قابل پیگیری خواهد بود.» به تعبیر دیگر، در این قسمت از تبصره به هر یک از طرفین اشاره شده، در حالی که در صدر تبصره از عبارت «حسب درخواست طرفین» استفاده شده است.

این استدلال به هیچ روی درست نیست. مرجع قضایی در معنایی عام به مرجعی ثالث گفته می‌شود که درباره اختلاف ناشی از عدم قطعیت حقوقی، با رعایت آیین و مقررات تصمیمی می‌گیرد که قاطع اختلاف به طور معین و مشخص است (محسنی، ۱۳۹۱، صص ۹۹-۱۲۳). پس ذات و اساس این مرجع، همین توانایی حل و فصل اختلاف به طور قاطع و معین است که درباره هیأت حل اختلاف موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون مرقوم مصداق دارد. در اینکه این مرجع با توجه به ترکیب اعضا، بدنه‌ای اداری یا مرجعی غیر قضایی است، به باور نگارنده کمترین گمانی در میان نیست. در حقیقت، در قضا‌زدایی، تخصص‌گرایی و تسریع در کار، در عین نظارت‌پذیری قضایی، مبنای ایجاد این هیأت بوده که نباید از دیدگان آن را به دور داشت.^۱ تردید در آن بوده است که شیوه مراجعه بدان چگونه است؟ به درخواست هر یک یا با توافق مشترک آن دو که هر یک در دو گوشه ادعا و انکار قرار دارند و طبیعی است که منکر در عدم مراجعه

با اعمال وکالت بخواهد طرح دعوی نماید باید یا پروانه رسمی وکالت داشته باشد یا حسب اختیار وکیل رسمی دادگستری را به عنوان وکیل انتخاب نماید که چنین نشده است. د - در این صورت که زوج به عنوان خواننده تعیین شده برابر مقررات آیین دادرسی باید اوراق دادخواست به وی ابلاغ شود که در پرونده اثری از ابلاغ وجود ندارد و در برگ وکالت از جمله حدود اختیارات وکیل اخذ برگ دادخواست و قبول ابلاغ نیامده است و اثری از ابلاغ به زوج یا حتی قبول ابلاغ از ناحیه زوج وجود ندارد. ه - با وجودی که طرفین در دزفول زندگی می‌کردند وکالت‌نامه در آنجا تنظیم شد اقدام زوجه در قم حکایت از غیر عادی بودن اعمال وکالت دارد. علی‌هذا رأی فرجام‌خواسته نقض و رسیدگی به همان شعبه محول می‌شود.» (ر.ک: بانک آرای پژوهشگاه قوه قضاییه به نشانی <http://ara.ijri.ir/Judge/Text/10804> visited date 17/07/1399).

۱. درباره رشد مراجع قضایی اداری ر.ک: کاپلتی و گارت، ۱۳۹۸، صص ۱۸۶-۱۶۵.

ناشی از عدم توافق، ذی‌نفع خواهد. بی‌گمان، خرد درست از تحمیل یک روند غیر منطقی به مصرف‌کننده فرودست خودرو دفاع نمی‌کند. پس، افزون بر اینکه باید هیأت موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون مرقوم را نوعی هیأت حل اختلاف دانست که مبنای وجودی و صلاحیت آن در قانون حمایتی مصرف‌کنندگان خودرو ریشه دارد، بایسته است از تحمیل فرایندهای اضافه‌ای همچون درخواست مشترک یا توافق مشترک دوری کرد و از ظاهر واژگان گذشت و به هدف مقنن در ایجاد سازوکار ویژه حمایت اندیشید. به باور نگارنده، عبارت «در صورت اعتراض هر یک از طرفین به رأی صادره» به این سبب در ادامه تبصره آمده است که باز ممکن است مصرف‌کننده از تصمیم هیأت رضایت نداشته باشد و او همچون عرضه‌کننده، باید بتواند نظارت قضایی بر عمل بدنه غیر قضایی را بخواهد و به هیچ روی در مقابل عبارت «حسب درخواست طرفین» در صدر تبصره قرار نمی‌گیرد.

۵. درباره دومین استدلال شعبه پنجم که حکم مقرر در ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب سال ۱۳۹۵ را مخالف متن و اصل قانون می‌داند نیز بایسته است سخنی به میان آید. ماده ۲۹ آیین‌نامه مذکور که به‌واقع آیین رسیدگی به اختلاف موضوع ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان را بیان داشته، چنین مقرر می‌نماید: «مسئولیت رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان و جلب رضایت ایشان در مرحله اول بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد. در صورت بروز اختلاف بین عرضه‌کننده و مصرف‌کننده، رأساً از طریق سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها و با نظارت سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌گیرد. چنانچه رضایت مصرف‌کننده تأمین نشود، می‌تواند به هیأت حل اختلاف موضوع تبصره (۲) ماده (۳) قانون مراجعه کند. هیأت حل اختلاف موظف است ظرف بیست روز از تاریخ ثبت شکایات به موضوع رسیدگی و نسبت به آن کتباً اعلام رأی کند. مناط رأی، نظر اکثریت اعضای هیأت است. این رأی باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرا شود.

تبصره ۱- دبیرخانه هیأت حل اختلاف موضوع این ماده و محل تشکیل جلسات آن در محل سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها می‌باشد.

تبصره ۲- سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه، هیأت‌های حل اختلاف مربوط را در محل آن سازمان با استفاده از پست‌های سازمانی موجود تشکیل داده و امکانات، نیروی انسانی و محل لازم را در اختیار آنها قرار دهد.

تبصره ۳- ثبت اعتراض و رسیدگی به آن در هیأت حل اختلاف رایگان است، اما حق الزحمه کارشناس رسمی که در هیأت حاضر و اظهار نظر می‌کند باید ظرف پنج روز از تاریخ اعلام هیأت، توسط شاکی پرداخت شود، در غیر این صورت، هیأت پرونده اعتراض را با ذکر دلیل مختومه اعلام می‌نماید.

تبصره ۴- کلیه نهادها و سازمان‌هایی که مصرف‌کنندگان جهت طرح شکایت به آنها مراجعه می‌نمایند موظفند شکایت مصرف‌کننده را به وزارت ارسال نمایند.

تبصره ۵- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه مکلف است دستورالعمل نحوه رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان خودرو را به سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها اعلام نماید.^۱

باری، اگرچه اصل ۱۳۸ قانون اساسی نظام آیین‌نامه‌نگاری را برای دولت به معنای خاص پذیرفته و درباره مجلس شورای اسلامی نیز ذیل همین ماده ذکر شده که «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد» و اگرچه همین مقنن قانون اساسی در اصل ۱۷۰ قضاوت دادگاه‌ها را مکلف نموده تا «از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا

۱. این دستورالعمل به تصویب سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان رسیده و در دسترس است. (بنگرید سایت: <https://agh.mimt.gov.ir/circularinformation/786105>).

دیوان عدالت اداری نیز شکایت درباره داخل در حدود اختیارات بودن این دستورالعمل را بررسی نموده و مردود اعلام کرده است. رأی شماره ۳۸-۳۷۰۰۶۰۰۰۹۹۷۰۹۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۳۱ هیأت تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری: «با مذاقه در اوراق و محتوای پرونده، بر مبنای ماده ۱۰ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ مجلس محترم شورای اسلامی مقرر گردیده "آیین‌نامه اجرایی این قانون (به‌ویژه در مورد ملاک‌های ایجاد نمایندگی مجاز تعمیر در سطح کشور به ازاء تعداد خودروهای عرضه شده) ظرف سه ماه از تاریخ تصویب توسط وزارت صنایع و معادن تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد." و آیین اجرایی آن به موجب قانون تهیه و به تصویب هیأت وزیران رسیده است که در تبصره ۵ ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی مذکور قید شده "سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه مکلف است دستورالعمل نحوه رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان خودرو را به سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها اعلام نماید." در نتیجه بند (ج) ماده ۲ و ماده ۷ دستورالعمل مورد شکایت در اجرای قانون و آیین‌نامه اجرایی موصوف‌الذکر و تبیین حکم مقنن و شیوه‌های اجرایی آن بوده لذا خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات نبوده به استناد بند "ب" ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کند.»

خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند» و «هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند»، اینکه در رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور آیین‌نامه‌ای را که نه از سوی مجلس و نه از سوی دیوان عدالت اداری مورد تعرض، ایراد یا ابطال به درخواست شخص نبوده، خلاف قانون تشخیص داده است، چندان سخنی وجیه به دیده نمی‌رسد.^۱

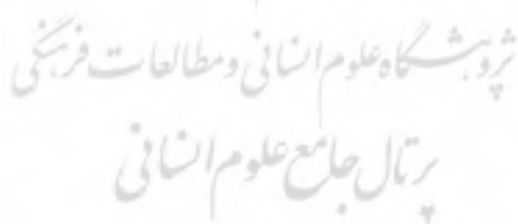
به دیگر سخن، خودداری از اجرای آیین‌نامه مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از اختیارات قوه مجریه اگرچه الزاماً به معنای صدور حکم پیشینی در دیوان عدالت اداری نیست و به‌ویژه شأن و جایگاه دیوان عالی کشور به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی، چنین نظارت پیشینی در دیوان عدالت را الزامی نکرده و تشخیص قضاوت دیوان عالی را منوط به تشخیص قضاوت دیوان عدالت اداری نمی‌کند، اما این سخن به آن معنا نیست که هرگونه اظهارنظر درباره‌ی درستی یا انطباق آیین‌نامه با قانون، چه موجه و مستدل و چه همچون فرض پرونده حاضر فاقد استدلال و توجیه مناسب، مجوز کنار نهادن آیین‌نامه باشد، به‌ویژه اینکه این تشخیص قضاوت محترم شعبه مرقوم، بر بنیاد تفسیر ناصحیح قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو پدید آمده است نه بر اساس یک تعارض یا تغایر درست‌بنیان که قابلیت اظهارنظر قضایی داشته باشد.

به‌واقع، مغایرت آیین‌نامه اجرایی با قانون در این پرونده واقعی نیست و برخاسته از تفسیر نادرست متن قانون است، از این رو طبیعی است که اگر قانون مطابق اهداف و مقاصد صحیح مبنای آن در حقوق مصرف در نظر گرفته شود، میان آیین‌نامه و حکم آن ناسازگاری پدیدار نمی‌شود. به باور نگارنده، ادعای اینکه آیین‌نامه با قانون مغایرت دارد پذیرفته نیست آنچنان که در رأی بعدی همین شعبه، این سخن که جایگاه و چه‌هستی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو را نشان می‌دهد، به درستی بازتاب می‌یابد.

۶. ارزش دومین رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور که در پی دومین فرجام‌خواهی شرکت آ.م. صادر شده، آن اندازه است که لازم نیست درباره‌ی آن مطلبی نوشت. این شعبه در دومین فرجام‌خواهی، آنچنان که از دیدگان گذشت، از رأی پیشین خود عدول می‌کند و می‌نویسد: «رأی دادگاه با توجه به استدلال به عمل آمده منطبق با موازین قانونی است لذا، ضمن عدول از رأی شماره ۹۰۰۵۵۷ - ۱۳۹۷/۶/۲۰ این شعبه

۱. برای دیدن جایگاه آیین‌نامه در حقوق ایران و چرایی مطابقت آن با قانون ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۹۴-۱۰۱.

که منطبق با نظر مقنن از وضع قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو نبوده است که به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان می‌باشد ... «باری، اگرچه شعبه دیوان می‌توانست اصرار شعبه دادگاه پایین‌تر را برابر اجازه‌ای که قانونگذار به او داده است، مردود بداند و پرونده را به هیأت عمومی شعب، وفق ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی، ارسال نماید، اما چنین نمی‌کند و با فروتنی علمی، هم به مفهوم طرفین در قانون و دسترسی به عدالت توجه می‌نماید و هم به هدف و فلسفه مقنن در وضع و تصویب قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو نظر عمیق می‌افکند. حمایت از مصرف‌کننده که موضوع اصلی این قانون است، به دور از پیش‌بینی راهکار حل اختلاف چابک و تخصصی که رأی آن در دادگاه عمومی قابل نظارت باشد، محقق نمی‌شود و این هدف و مقصود در رأی شعبه پنجم دیوان عالی که به درستی در مقام تأیید رأی شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی تهران صادر شده، به خوبی دیده می‌شود.^۱



۱. برای دیدن مفهوم حمایت ویژه از مصرف‌کننده در حقوق مصرف‌کننده به حمایت مدنی و کیفری می‌پردازد ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴، صص ۲۳۳-۲۴۶.

نتیجه

طرفین و به‌ویژه مصرف‌کننده خودرو باید به نهاد حل و فصل اختلاف دسترسی آزاد و در چارچوب قانون داشته باشد. از این رو تفسیر عبارت «حسب درخواست طرفین ابتدا در هیأت حل اختلاف مربوطه» طرح می‌شود، به درخواست مشترک طرفین یا توافق پیشینی آنان یا تلقی هیأت حل اختلاف به نهادی همچون نهاد داوری که مراجعه به آن نیازمند توافق متداعیین است، هم نادرست است و هم با فلسفه و چیستی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶ و مفهوم و مصداق حمایت ویژه از او ناسازگار است. بی‌گمان رأی شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران که با شایستگی به تأیید شعبه پنجم دیوان عالی کشور در دومین فرجام‌خواهی شرکت مدعی رسیده، همچون رأی شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی، رأیی درست‌بنیان و استوار است.



فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. کاپلتی، مورو و برایان جی گارث، *آیین دادرسی مدنی*، مجلد نخست (مقدمه - سیاست‌ها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها در آیین دادرسی مدنی)، ترجمه و پژوهش حسن محسنی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۸.
۲. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
۳. کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید (مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده)*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۴. محسنی، حسن، *اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی*، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۷.

ب. مقاله‌ها

۵. بادینی، حسن و پانته‌آ پناهی اصلو، «نقدی بر قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۶۴-۳۹.
۶. محسنی، حسن و مجید غمami، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صص ۳۱۸-۳۰۱.
۷. محسنی، حسن، «مفهوم مرجع قضایی در نظام قضایی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۶، شماره ۷۹، ۱۳۹۱، صص ۱۲۳-۹۹.

ج. خارجی

8. *Code de Procédure civile*, Annoté, Paris, Dalloz, 109^e édition, 2018.

د. سایت

9. <http://ara.ijri.ir> (بانک آرای پژوهشگاه قوه قضاییه)
10. <https://agh.mimt.gov.ir>

ه. دادنامه‌ها

۱۱. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۶ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور.
۱۲. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۱۴۰۰۰۰۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲ شعبه ۱۹۱ دادگاه

عمومی حقوقی تهران.

۱۳. دادنامه شماره ۱۱۲-۹۴۳۵۰۹۹۷۰۹۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۵ شعبه ۲۲۹ دادگاه

عمومی حقوقی تهران.

۱۴. دادنامه شماره ۳۹۳-۸۹۰۰۳۹۷۰۸۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۳/۳۱ شعبه ۵ دیوان عالی کشور.

۱۵. دادنامه شماره ۳۸-۳۷-۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۳۱ هیأت تخصصی

اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری.

۱۶. دادنامه شماره ۵۵۸-۸۹۰۰۹۷۰۹۰۸۹۰ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور.



**The Notion of “Parties” in Law of Vehicle Consumer Protection and
The Procedure of Referring a Case to the “Conflict Resolution Board”
(Examination of the Rulings Issued by Branches 191 and 229 of the
General Legal Court of Tehran and the Rulings of the Fifth Branch of
the Supreme Court in the Case No. 9609980214000500)**

Hassan Mohseni*

Received: 10/10/2019

Accepted: 10/01/2020

Abstract

A man guaranteed his Hyundai Santa fe before Assan Motor. The car’s motor buried in 1600 km trip navigation. He tried to referring his case to the Conflict Resolution Board which is provided by in Law of Vehicle Consumer Protection 2007. The board held damages verses Assan Motor Co. but the company filed a case before Tribunal of Tehran for annulling that judgment by this ground that the parties should referring the case by their mutual agreement mot by ex-part demand of each party. 5th chamber of Supreme court has accepted the plaintiff’s argument once but the lower courts resist in his opinion and finally the Court has given up his opinion and seyed that each parties can refer his case by his unilateral demand because of the foundations and philosophy of that mentioned Law. The Judgment of Supreme Court is well grounded and is in accordance with the need of consumers.

Key words: Consumer; Vehicle; Board of Conflict Resolution; Parties.

* Associate Professor at Law and Political Science Faculty of Tehran University.
hmohseny@ut.ac.ir